

روزی که اسلام کامل شد

- 4 - چرا پیامبر (ص) هرگاه گروهی را برای مأموریتی می فرستاد برای آنها سرپرست قرار می داد؟
دچار تفرقه و سردرگمی نشوند.
- 5 - چرا پیامبر (ص) در جنگ هایی که حضور نداشت چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کرد؟
اگر یکی از آنها آسیب دید ، نفر دیگر فرماندهی را بر عهده بگیرد.
- 6 - چرا پیامبر (ص) هنگامی که می خواست به سفر برود فردی را در غیاب خودش تعیین می کرد؟
در غیاب او به اداره ی امور مسلمانان بپردازد.

رسول اعظم ﷺ هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می فرستاد، یکی از آنان را سرپرست گروه قرار می داد تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ هایی که خود حضور نداشت نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کرد تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد. حتی زمانی که برای مدت چند روز می خواست به سفر برود، فردی را تعیین می کرد تا در غیاب او به اداره امور مسلمانان بپردازد.

7 - آیا ممکن است پیامبر (ص) برای خویش جانشینی تعیین نکرده باشد؟

نیست

پیامبر خدا که در زمان حیات خود، مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، ~~ایا ممکن است~~ وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون راهبر رها نماید و جانشینی برای خود تعیین و معرفی نماید؟

مهم ترین پیام

120000

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر!

مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده‌اند. این دستور پیامبر خداست که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند. در هنگام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آنچه از همه عجیب‌تر است، حالت خود پیامبر است. گویی نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است...

مناسک حج تمام می‌شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می‌شوند. چند روزی در بیابان‌های خشک و سوزان راه می‌روند تا به **غدیر خم** می‌رسند. جایی که مسیر کاروانیان از هم جدا می‌شود.

* **حَجَّةُ الْوَدَاعِ** : آخرین سفر حج پیامبر (ص)

* **غَدِيرِ خَم** : محلی که امام علی (ع) از طرف پیامبر (ص) به امامت منصوب شد.

۱. **مناسک حج** : عبادات و اعمال مربوط به حج.

* **پس از مناسک حج** واقعه جانشینی رسول خدا در محل غدیر خم اتفاق افتاد.



در این هنگام جبرئیل امین نازل می‌شود :

* ترجمه خواننده شود

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ

بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ^۱

ای پیامبر،

آنچه را از طرف پروردگارت بر تو

نازل شده است، [به مردم] برسان!

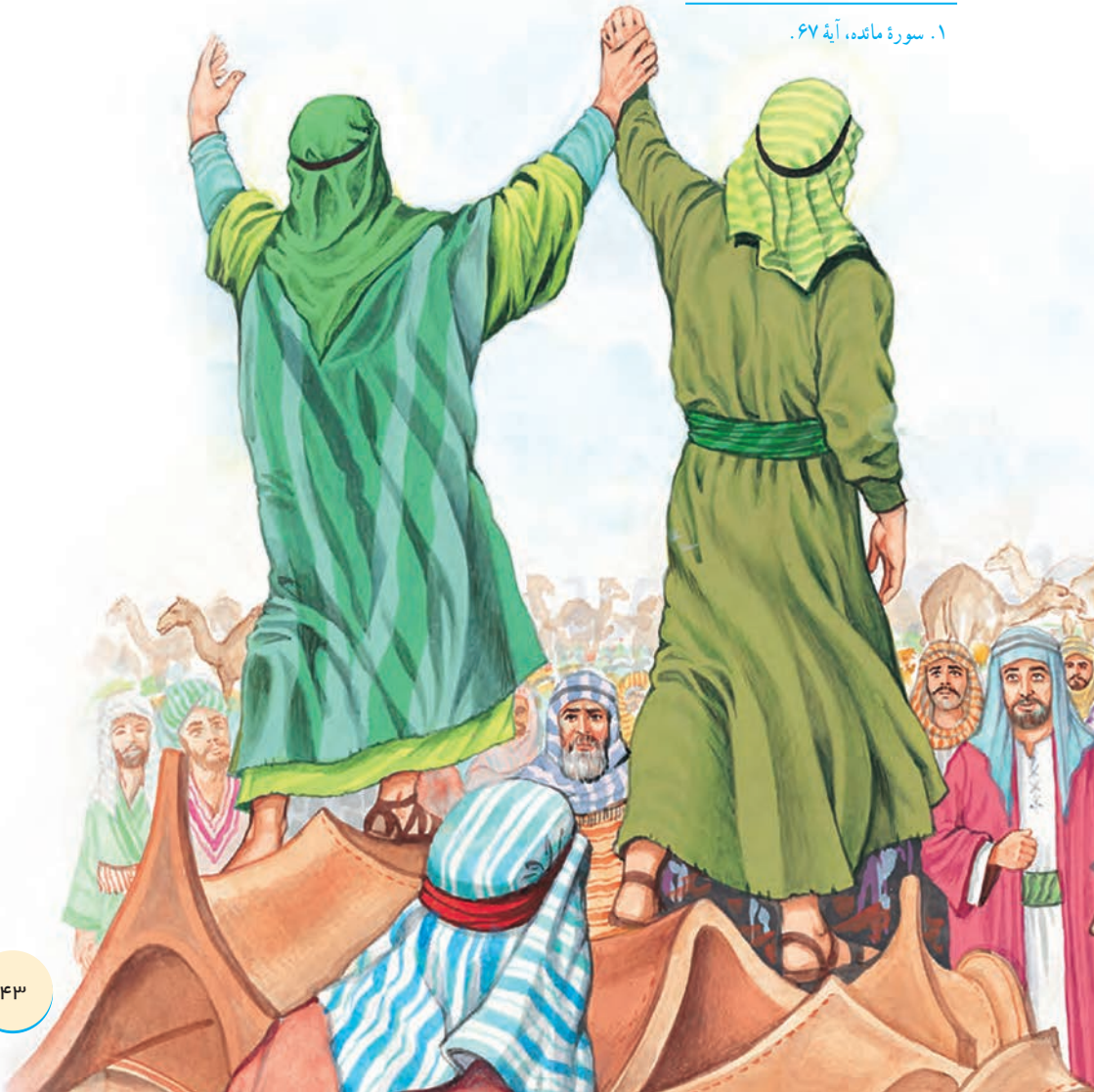
و اگر چنین نکنی،

رسالت او را انجام نداده‌ای!

و خداوند تو را از خطرات احتمالی مردم، نگاه می‌دارد.

آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.



این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا **بیست و سه سال** با سختی و مشقت تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. و در این راه، نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خبر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر **لجاجت** از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته‌ی وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.

رسول خدا دستور می‌دهد همه کاروانیان از شترها پیاده شوند!

«صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگوئید همه برگردند!»
مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند؛

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند. **ظهر**

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا روی مکان بلندی می‌ایستد.

سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود...

«ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد.

بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم. ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم؛ تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که پس از

من با این دو چگونه رفتار می‌کنید».

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

«ای مردم، تاکنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبودم؟ آیا من ولی و راهبر شما نبودم؟»

همه جواب می‌دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولی و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه السلام را بالا می‌آورد و با صدای بلند و رسا می‌فرماید:

جواب سوال 1 کتاب

«آگاه باشید، هرکس که من ولی و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولی اوست. خداوندا، هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده؛ خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش»^۱.

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می‌کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته‌اند نیز برسد.

رسول اکرم در پایان سخنانشان می‌فرماید:

«آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟»

مردم می‌گویند: بله ای رسول خدا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند».

سخنان ایشان که تمام می‌شود، مسلمانان گروه گروه پیش می‌آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می‌گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه السلام را به ایشان تبریک می‌گویند و او را مولای خود می‌نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی‌شد. او این پیام مهم الهی را در حضور ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه السلام باقی نماند. هنوز جمعیت از اطراف علی علیه السلام پراکنده نشده‌اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می‌آورد:

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸ تا ۲۵۱.

... اليَوْمِ
 امروز،
 يَسِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ
 کافران از [نابودی] دین شما مأیوس شده‌اند.
 فَلَا تَخْشَوْهُمْ
 پس از ایشان مترسید
 وَ اَخْسَوْنِ
 و از [مخالفت با] من بترسید!
 اليَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ
 منظور روز غدیر (ولایت امام علی (ع) است
 امروز، دین شما را برایتان کامل کردم،
 وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
 و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم،
 وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا.^۱
 و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاویدان] برگزیدم.

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (شیعه و سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود نداشته و ندارد. 8 - واقعه ی غدیر را چه کسانی نقل کرده اند؟

بهترین انتخاب

در ماجرای غدیر، انتخاب حضرت علی (ع) برای جانشینی پیامبر اکرم (ص) توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند. حالا اگر این انتخاب توسط خداوند انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر، خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟

جواب سوال 3 کتاب

بی‌تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشند^۲ و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد کسی جز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) نبود.

جواب سوال 2 کتاب

جانشینی حضرت علی (ع) در روز غدیر، موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او نمی‌تواند رهبری مردم را بر عهده بگیرد، و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

۱. سوره مائده، آیه ۳. ۲. در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم (ص) همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همه آنها حضرت علی (ع) است.



کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا ﷺ در این روز فکر کنید! اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان برایشان سخن می‌گویند و از آنها می‌خواهد همه آنچه را شنیده‌اند برای بقیه مسلمانان بازگو کنند.

به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟ نشانه‌ی مهم بودن ولایت امام علی (ع) است. با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفت‌وگو کنید.



- ۱- پیامبر اکرم ﷺ، در روز غدیر خم، درباره امیرالمؤمنین ﷺ چه فرمود و ایشان را به چه مقامی منصوب کرد؟
- ۲- چرا در روز غدیر خم، کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟
- ۳- چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرمؤمنان ﷺ شایسته رهبری بر مسلمانان بودند؟

بیشتر بدانیم

بزرگ‌ترین عید

مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعه مهم، به دیدار سیدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت علیهم‌السلام نیز در میان مؤمنان روز عید به شمار رفته است.

شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟
امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

—: کدام عید؟!

—: همان روزی که پیامبر خدا، حضرت علی علیه‌السلام را به ولایت منصوب کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ هر که من مولای اویم، این علی ولی و رهبر اوست.

—: این کدام روز است؟

—: روز هجدهم ماه ذی‌حجه.

—: در این روز انجام چه کاری شایسته‌تر است؟

—: در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفت‌وگو درباره فضیلت‌های محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خدا را یاد کنید. رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد...^۱

موضوع ولایت حضرت علی علیه‌السلام و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب‌هایی درباره این موضوع واداشته است.

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که توسط علامه امینی در یازده جلد، تألیف شده است. ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از راویان شیعه و سنی را نام می‌برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده‌اند.

وی در بخش‌های دیگر کتاب خود، از بسیاری از نویسندگان و دانشمندان شیعه و سنی در قرن‌های مختلف نام می‌برد که یا کتاب‌های مستقلی درباره این موضوع نوشته‌اند، یا بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۰.